

آقای محمد واعظ زاده خراسانی

تحقیق درباره کتاب فی

(۶)

نویسندگان جوامع حدیث

۴- محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی ابواحمد ازدی اصلاً بغدادی وساکن آن شهر واز بزرگان فقها ومحدثین ونزد شیعه و سنی عظیم المنزله و مورد اطمینان بوده است .

جاحظ نویسنده معروف عرب ازوی روایت مینماید او را در کتاب **فخر قحطان علمی عدنان** از جمله مفاخر قحطان بر عدنان شمرده (۱) ودر باره وی گفته است که او در عصر خود در همه چیز یکتا و بی نظیر بوده است (۲) وی امام موسی بن جعفر (ع) را درک نموده و امام او را با کنیه (یا ابوالاحمد) مخاطب ساخته که دلیل بر بزرگی وموقعیت اوست در آن عصر وازوی حدیث هم شنیده (۳) وبنابه گفته شیخ طوسی از وی حدیث نقل نموده است (۴) وی با امام هشتم وحضرت جواد(ع) مصاحب وهمزمان بود ونظر بموقعیت حساس وریاست وی بر شیعه مورد تعقیب دستگناه خلافت و شکنجه و اهانته وحبس قرار گرفت وتمام ثروتش که تا حدود پانصد هزار درهم تخمین میگردد از دستش رفت .

جاحظ در کتاب **البیان والتبیین** بطور تردید علت توقیف وی را یکی از دو امر دانسته قبول کردن منصب قضاوت که چنانکه گفته اند بالاخره پذیرفته ویا افشاء نامه های شیعیان ویا ران موسی بن جعفر (۵) اما بنا بنقل کشی (۶) وصدوق (۷) منحصرأ عامل دوم سبب گرفتاری وی بوده است . کشی از قول فضل بن شاذان روایت میکند

-
- ۱- فهرست شیخ طوسی ص ۱۴۲ ورجال نجاشی ص ۲۰۵
 ۲- فهرست شیخ طوسی ص ۱۴۲ ۳- رجال نجاشی ص ۲۵۰
 ۴- فهرست شیخ طوسی ص ۱۴۲ ۵- رجال نجاشی ص ۲۵۰
 ۶- رجال کشی ص ۳۶۴ ۷- بنا بنقل کنی والالاقاب ج ۱ ص ۱۹۱

که وی را توقیف کردند و اسامی شیعیان را از او خواستند وی از نام بردن آنان خود داری کرد او را برهنه و آویزان کردند و صد ضربه شلاق بر تنش زدند از قول خود وی نقل نموده که گفت درد شلاق بقدری شدید شد که نزدیک بود شیعیان را نام ببرم ناگاه فریاد محمد پسر یونس بن عبدالرحمن را شنیدم که میگفت یا محمد بن ابی عمیر از کرم موفقك یمن یدی الله تعالی با شنیدن این صدا بخود نیرودادم و صبر کردم و نام کسی را افشا ننمودم و خدا را سپاس میگذارم - در این جریان بیش از صد هزار درهم بوی ضرر وارد شد (۱)

و نیز فضل بن شاذان حکایت نموده که ابن ابی عمیر بجرم عقیده خود بفرمان هارون و مباشرت سندی بن شاهک شلاق خورد و با پرداخت صد و بیست هزار درهم نجات یافت (۲) و از قرار معلوم در عصر هارون و مامون همواره چهار این ناملازمات بوده است. او مردی متهجد و اهل عبادت بود پس از نماز صبح سر به سجده میگذاشت و هنگام نماز ظهر سر بر میداشت و در عین حال مردی بخشنده و با گذشت بود از کسی ده هزار درهم طلب داشت و خود بتنگدستی مبتلا گردید مدیون خانه خود را فروخت و وجه را نزد وی آورد ابن ابی عمیر گفت این مال را از کجا تهیه کردی آیا از کسی ارث برده ای گفت خیر پرسید آیا کسی بتو بخشیده ؟ گفت خیر خانام را فروخته ام برای اینکه از زیر بار دین رهائی جویم ابن ابی عمیر گفت از ذریع محاربی شنیدم که از امام صادق روایت میکرد که فرمود لا یخرج الرجل عن مسقط رأسه بالدين این مال را بردار و برو من فعلا حتی بیک درهم آن نیاز مندم ولی حتی یک درهم آن داخل مال من نخواهد گردید (۳)

حسن ابن علی بن فضال دانشمند معاصر ابن ابی عمیر میگفت که او از یونس بن عبدالرحمن (که قبلا وی را معرفی کردیم) آفته و اصلح و افضل بود (۴) احمد بن محمد بن عیسی فقیه و محدث بزرگ قم کتابهای صد نفر از باران امام صادق را از وی نقل مینموده (۵) فضل بن شاذان از پدر خود نقل میکند که من به ابن ابی عمیر گفتم تو مشایخ و بزرگان اهل سنت را دیده ای چطور از آنان حدیث نشنیده ای گفت از آنان حدیث شنیده ام اما چون میبینم که خیلی از شیعیان علوم خاصه و عامه را شنیده و آندو را باهم خلط کرده حدیث یکی را بدیگری نسبت میدهند من نخواستم که چنین اشتباهی برای من دست دهد لهذا از احادیث اهل سنت صرف نظر و به علوم اهل بیت اکتفا

۱- رجال کشی ص ۳۶۴ ۲- همان مرجع

۳- الکنی والالقباب ج ۱ ص ۱۹۱ بنقل از صدوق

۴- رجال کشی ص ۳۶۴ و ۳۶۳ ۵- فهرست شیخ طوسی ص ۱۴۲

نمودم (۱) وی ۹۴ کتاب تصنیف نمود (۲) که پاره‌ای از آنها در رجال نجاشی و فهرست شیخ نام برده شده است اما نظر باینکه چهار سال یا ۱۷ سال در حبس بسر میبرد و خواهرش کتابهای او را در این مدت زیر زمین پنهان یا بنا بر روایتی خودش آنها را زیر باران گذارده بود همه آن کتب از بین رفت (۳) فقط چهل کتاب را بطور نا منظم و بدون سند از حفظ یا از قول مردمیکه از وی حدیث شنیده بودند روایت مینمود که دریک کتاب بنام نوادر تدوین شده بود و علماء بواسطه وثوق اطمینان بوی مرسلات وی را بجای حدیث مسند پذیرفته‌اند و بعلم نامبرده احادیث وی غالباً مرسل است (۴)

۳- احمد بن محمد بن ابی نصر بز نظی ابو جعفر کوفی مولی سکونی وی امام رضا و حضرت جواد را ملاقات نموده و منظور نظر واز باران مخصوص آن دو رسوده است . در چند روایت (۵) بصورت‌های گوناگون این داستان آمده است که بز نظی شبی در منزل امام هشتم (ع) میهمان بوده است امام بستر خود را برای وی گسترده و روی انداز مخصوص خویش بروی وی انداخته است نیمه شب بخاطرش گذشت که کدام کس بچنین افتخاری که نصیب من گردیده مفتخر است که در بستر امام آرمیده‌ام در همین موقع امام نزد وی آمد و فرمود ایهیر المؤمنین (ع) بیادت صعصعة بن صوحان رفت و بوی فرمود ای صعصعه گمان نسکنی که تو بسر دیگران برتری و مزیت داری که امیر المؤمنین از تو عیادت نموده و این امر سبب غرور تو گردد بفکر عمل خود باش و عیادت من را بحساب خوبی خود مگذار وی از امام رضا (ع) درخواست کرد که برای او به اسماعیل بن داود کاتب (که منصبی در دستگاه خلافت داشته) توصیه نماید امام فرمود من میل ندارم شخصی مانند تو از چنین کسان حاجتی طلب کند (۶) وی دارای تالیفاتی است که از آنجمله کتاب جامع اوست که ابن ادریس حلی (۵۵۳ - ۵۶۸) در آخر کتاب سرائر قسمتهائی از آن را گلچین نموده است بز نظی در سال ۲۲۱ از جهان درگذشت (۷)

۴- صفوان بن یحیی ابو محمد بیاع سابری کوفی شیخ جلیل نجاشی وی

۱- رجال کشی ص ۳۶۳ ۲- رجال نجاشی ص ۲۵۰ و ص ۱۴۲

۳- رجال نجاشی ص ۲۵۰ ۴- رجال کشی ص ۳۶۳

۵- کنی والالقب ج ۲ ص ۷۱ بنقل از قرب الاسناد و رجال کشی ص ۳۶۲

۶- الکنی والالقب ۲ ص ۷۱ ۷- رجال نجاشی ص ۵۸

را چنین ستوده ثقة ثقة عین و كانت له منزلة من الزهد والعبادة (۱) شیخ طوسی در باره اش گفته است: اوثق اهل زمانه عند اصحاب الحدیث و اعبد هم ۰۰۰۰ و كان من الورع والعبادة علی ما لم یکن علیه احد من طبقته رحمه الله (۲)

تاریخ تولد صفوان معین نشده ولی مسلم است که پدر وی از امام صادق (ع) حدیث نقل میکرده و خود وی از یاران و راویان امام کاظم (ع) بوده (۳) و مسائل و روایاتی از آن امام نقل (۴) و نیز از امام هشتم و نهم (ع) روایت کرده است (۵) و از قبل آنان و کیل بوده مخصوصا مکات و منزلت بلندی در پیشگاه امام رضا (ع) داشته است (۶) صفوان نیز مانند یونس بن عبد الرحمن در مورد امامت امام هشتم (ع) پس از درگذشت امام موسی بن جعفر (ع) خوب امتحان داد و با اینکه طائفه واقفیه مال بسیاری بوی دادند که با آنان هم عقیده شود معذالك نه تنها مذهب وی بعقیده و تف آورده نگشت (۷) بلکه خود از ارکان و استوانه های مذهب امامیه بشمار می آمد ابو عمر و محمد بن عمر بن عبد العزیز کشی در رجال خود روایاتی در باره وی آورده مبنی بر کمال رضایت امام جواد (ع) از وی در باب روایت امام وی را از حزب بدران خود شمرده رحمه الله اسمعیل بن الخطاب و رحمه الله صفوان فانهما من حزب آبائی و من كان من حزبنا ادخله الله الجنة در روایت دیگر فرمود: جزى الله صفوان بن يحيى و محمد بن سنان و ذكرى بن آدم عنى خيرا فقد و فوالى (۹) حسین بن داود قمی نقل کرده که گفت سمعت ابى جعفر الثانى (مقصود امام جواد است) بذكر صفوان بن يحيى و محمد بن سنان بخير و قال رضى الله عنهما برضائى عنهما (۱۰)

و بنا بنقل محمد بن اسماعیل بن بزيع (۱۱) آنحضرت اظهار عدم رضایت از این دو نفر فرمود باینجهت که در بعضی از امور باوی مخالفت نموده اند ولی در سال بعد به محمد بن سهل بحرانی گفته است قول صفوان بن يحيى و محمد بن سنان فقد رضيت عنهما و گویا این خبر مستند بشایعه ای در باره آن دو نفر بوده که امام در ذیل خبر حسین بن داود آن را تکذیب فرموده و تصریح نموده که هیچگاه آنان مخالفت

- | | |
|------------------------|------------------------|
| ۱- رجال نجاشی ص ۱۴۸ | ۲- فهرست شیخ طوسی ص ۸۳ |
| ۳- رجال نجاشی ص ۱۴۸ | ۴- مرجع سابق |
| ۵- فهرست شیخ طوسی ص ۸۳ | ۶- مرجع سابق |
| ۷- رجال نجاشی ص ۱۴۸ | ۸- مرجع سابق ۹- ص ۳۱۲ |
| ۱۰- رجال کشی ص ۳۱۳ | ۱۱- دو مرجع اخیر |

نکرده اند: فما خالفانی وما خالفا ابی قط . معمر بن خلاد از حضرت ابی الحسن (ع) (۱) روایت کرده که فرمود ما ذلیمان ضاریان فی غنم قدغاب عنها رعایها باضر فی دین مسلم من حب الریاسة ثم قال لکن صفوان لا یحب الریاسة (۲) صفوان بن یحیی بنا بگفته کشی (۳) از جمله طبقه سوم اصحاب اجماع است (۴) که همه جزء یاران امام هفتم و هشتم بوده اند کشی پس از اینکه آنان را نام میبرد میگوید وافقه هولاء یونس بن عبدالرحمن و صفوان بن یحیی .

بقیه عبارتند از محمد بن ابی عمیر احمد بن محمد ابی نصر عبدالله بن مغیره حسن بن محبوب و بعضی بجای وی حسن بن علی بن فضال و فضالة بن ایوب را نام برده اند و برخی بجای فضالة عثمان بن عیسی را ذکر نموده اند .

صفوان با عبدالله بن جنید و علی بن نعمان شریک بود این سه شریک در خانه خدا بایکدیگر عهد بستند که هر یک از آنان زودتر از جهان در گذرد دیگری مادام العمر نماز و روزه او را بجای آورد و از قبل وی زکوة دهد . مقدر بود که صفوان پیش از رفقای خود زندگی کند و آنان پیش از وی در گذشتند صفوان بنا به قرار داد فوق پس از آنان در هر شب و روز صد و پنجاه رکعت نماز میخواند پنجاه رکعت فرائض و نوافل روزانه خود و صد رکعت از جانب دوستان و در هر سال سه ماه روزه می گرفت و سه نوبت زکوة مال میپرداخت و همچنین هر عمل مندوب و مستحبی که برای خود بجای میآورد مانند آنرا از قبل دو رفیق در گذشته انجام میداد (۵) و حتی برای آنان حج میکرد (۶)

-
- ۱- رجال کشی ۳۱۳ - گویا مراد ابی الحسن رضا است چه اینکه بنا بنقل نجاشی ص ۳۳۰ معمر بن خلاد از جمله راویان از آن امام است
 - ۲- رجال کشی ص ۳۱۳ - رجال کشی ص ۳۴۴
 - ۳- در باره اصحاب اجماع توضیح کوتاهی در شماره قبل دادیم مرحوم محدث نوری حاج میرزا حسین صاحب مستدرک الوسائل در جلد سوم مستدرک از صفحه ۷۵۷ تا صفحه ۷۷۰ در این باره بطور مبسوط بحث نموده است طالبین مراجعه فرمایند .
 - ۴- رجال نجاشی ص ۱۴۸ فهرست شیخ طوسی ص ۸۳
 - ۵- نام حج تنها در فهرست شیخ برده شده است در باره عبدالله بن جبلة که در این داستان آمده در اصول کتاب رجال تعرض نشده اما راجع به علی بن نعمان نجاشی در رجال خود ص ۲۱۰ میگوید : علی بن النعمان الاعلم النخعی ابوالحسن مولا هم کوفی روی عن الرضا واخوه داود اعلامنه وابنه الحسن بن علی وابنه احمد رویا الحدیث وکان ثقة وجیهاً ثبتاً صحیحاً واضح الطریقة له کتاب یرویه جماعة الخ

صفوان از مکه عازم کوفه بود یکی از همسایگان وی از او درخواست کرد که دو دینار بول را به کوفه برساند **صفوان** گفت شتر من کرایه است صبر کن تا از صاحبش حمل این دو درهم را اذن بگیرم (۱) نظیر این داستان را **بحر حرم مقدس اردبیلی** متوفی سال ۹۹۳ نیز نسبت میدهند باین شرح که وی مکرراً از نجف اشرف با مر کوب کرایه‌ای بزیارة کاظمین میرفت و با همان مر کوب بر میگشت در یکی از سفرها که میخواست از کاظمین خارج شود و مکاری هم با وی نبود مردی از اهل بغداد نامه‌ای بوی تسلیم کرد که به برخی از اهل نجف برساند (۲) **مقدس اردبیلی** نامه را گرفت و در بغل گذارد و پای پیاده قدم بقدم مر کوب به نجف برگشت و این کار برای همراهان عجیب مینمود وی میگفت این مر کوب را کرایه کرده‌ام که خودم سوار شوم و از طرف صاحبش در نقل نامه ماذون نیستم (۳) این قبیل داستانها بهترین معرف روح زهد و پرهیزگاری اشخاص است و آنچه درباره **صفوان** مذکور شد مراتب صداقت و صفا و خود داری وی را از ارتکاب معمرات و تجاوز بحقوق دیگران میرساند

اما موقعیت علمی و بابه اطلاعات وی در حدیث از این قرار است که وی چهل نفر از شاگردان و راویان امام صادق را درک و از آنان روایت نموده است (۴) **صفوان** کتاب بزرگی تالیف نمود مشتمل برسی کتاب فقهی و غیر آن (۵) نظیر کتاب **حسین بن سعید** (۶) که از طهارت تادیبات را در برداشت و تعدادی از این کتب تا زمان **نجاشی** نویسنده رجال معروف متوفی ۴۵۰ در دسترس و معروف میان اصحاب بوده (۷) و قسمتی از آن کتابها را **ابن ندیم** در فهرست خود (۸) نام برده است وی **صفوان** را در عداد فقهای شیعه شمرده است

صفوان در سال ۲۱۰ هجری در مدینه از دنیا رفت (۹) و حضرت **ابی جعفر جواد** (ع) برای او کفن و حنوط فرستاد و عموی خود **اسمه‌بیل** فرزند **موسی بن جعفر** (ع) را مامور کرد که بر جنازه وی نماز بخواند (۱۰) سخن در باره این فقیه و محدث

۱- رجال نجاشی ص ۱۴۹ فهرست شیخ طوسی ص ۸۳

۲- روضات الجنات طبع اول ص ۲۳ ۳- رجال نجاشی ص ۱۴۹

۴- مرجع سابق ۵- فهرست شیخ طوسی ص ۸۳ در باره کتاب حسین بن سعید و کتاب وی که همواره علماء رجال کتابهای جامع را بآن نظیر مینمایند بعد بحث میکنیم

۶- رجال نجاشی ص ۱۴۹ ۷- ص ۳۱۱ ۸- رجال نجاشی ص ۱۴۹

۹- رجال کشی ص ۳۱۲

۱۰- ج ۳ مستدرک الوسائل ص ۶۰۸

بزرگوار را با کفتار محقق عالی‌مقام محدث نوری در حق وی پایان می‌دهیم وی در شرح
مشيخه کتاب من لا یحضره الفقیه می‌گوید :

وصفوان من معشر یفتخر بهم الشیعه ویتهج بهم الشریعة ومناقبه کثیرة
مذکورة فی الجوامع والطرق الصحیحة من الشیوخ الی کتبه کثیرة لاجابة
الی نقلها

ناتمام

دکتر سا

علی علیه السلام

العزم وجود فی خدمة الخالق فمن طلبه فی خدمة المخلوق
لم یجده

حاجت از کس مخواه و تکیه مکن ماعت فرشی
جز به لطف خدای بخشنده
بند نغز و گرانبهای علیست

چون کهر تابناک و ارزنده
عزت و سروری اگر جوئی
کن اطاعت ز آفریننده

ورنه هرگز به سروری نرسد

هر که شد آفرینده را بنده